

سالی که زیر باران گلوله آغاز شد



من این جملات را موقعی می‌نویسم که گلوله‌های آتشین دشمن تمام نقاط پاسگاه ترابه را سوراخ می‌کند و عزیزان شما در اتاق‌های پاسگاه چاره‌ای جز انتظار ندارند. آری! انتظار اینکه گلوله در کجا فرود می‌آید و چه کسی از این جمع به پرواز در می‌آید.

من این جملات را موقعی می‌نویسم که گلوله‌های آتشین دشمن تمام نقاط پاسگاه ترابه را سوراخ می‌کند و عزیزان شما در اتاق‌های پاسگاه چاره‌ای جز انتظار ندارند. آری! انتظار اینکه گلوله در کجا فرود می‌آید و چه کسی از این جمع به پرواز در می‌آید.

به گزارش گروه #171 حماسه و مقاومت؛ خبرنگاری فارس، آن چه خواهید خواند برگي است از یادداشت‌های شهید مهدی خوش سیرت معاون فرماندهی لشکر قدس گیلان. ایشان در عملیات نصر4 (فتح ماووت عراق) به تاریخ 1366/4/6 به شهادت رسیده است:

ساعت حدود 3 بامداد شب جمعه 64/1/2 پاسگاه شهید اسودی (ترابه) می‌باشد که این مطالب را بر روی کاغذ می‌آورم.

آری، ای برادران و خواهران و ای عزیزان که دوست دارید جبهه و مظلومیت فرزندان جبهه را بشناسید. پس دقت در مطالب زیر نمائید و خودتان قضاوت کنید.

من این جملات را موقعی می‌نویسم که گلوله‌های آتشین دشمن تمام نقاط پاسگاه ترابه را سوراخ می‌کند و عزیزان شما در اتاق‌های پاسگاه چاره‌ای جز انتظار ندارند.

آری! انتظار اینکه گلوله در کجا فرود می‌آید و چه کسی از این جمع به پرواز در می‌آید. عجب صحنه‌هایی است که قلم از نگارش و ترسیم آن عاجز است. به هر گوشه‌ای که نگاه می‌کنی، بچه‌ها زانو بغل کردند و به همدیگر نگاه می‌کنند. در یک اتاق دیگر مجروحین بر روی تخت افتاده‌اند و منتظر سرنوشت هستند و از درد و جراحت ناشی از مجروحیت به خود می‌پیچند و ناله می‌زنند و دشمن نیز از یک لحظه گلوله باران دست بردار نیست و الان حدود دو ساعت، پی در پی پاسگاه را زیر ضربات سنگین گلوله‌های توپ خود گرفته است. در یک سنگری گلوله فرود آمد و دو نفر را به هوا پرتاب کرد. ای برادران و خواهران و دوستان عزیز اگر در صحرای کربلا، یاران امام حسین(ع) یکی یکی به خون خود غلتان شدند.

اینجا نیز در این ساعت از روز جلوه‌ای از کربلا به وجود آمده است که برادران در انتظار شهادت خود هستند و چه مظلومیتی بالاتر از این که در عمق خاک دشمن در میان امواج انفجارهای گلوله‌ها در یک محیط خونین و مقدس انسان فقط و فقط منتظر مرگ باشد، اما یک چیز است که در تاریکی شب همه را امید و قوت می‌داد و تنها صدایی که از حلقوم این برادران مظلوم در میان غرش صدای انفجارها به گوش انسان می‌رسد نام یا زهرا(س) و یا حسین و یا مهدی بود که آرامش وجود انسان را فرا می‌گرفت. نمی‌دانم با این اوضاع آیا عمر اجازه می‌دهد که جملاتم را به آخر برسانم؟ خدا می‌داند. به هر حال تاریکی شب کم کم قصد دارد سیاهی شب خود را به سپیده بسپارد و سپیده روشنایی روزش را به عالمیان بنمایاند.

گلوله باران که آخر ساعت 3 بامداد شروع شد و با همه غمی که بر پاسگاه حکم فرما بود، ولی عید زیبایی برایمان بود، چرا که انسان را متوجه خدا می‌گرداند. خدایا خودت می‌دانی که ما به جز تو یار و یاور نداریم و اگر می‌بینی که همه با ما دشمنند، به خاطر این است که تکیه بر تو کردیم و نبردمان به خاطر اجرای حدود توست. پس ای خدای قادر تو ما را یار و یاور باش و یک لحظه ما را به خود وامگذار که با نصرت تو صد درصد پیروزیم.

بارها گفتیم و اینک نیز می‌گوییم، اگر تمام دشمنان اسلام در این لحظه جمع گردند و همه گلوله‌های آتشین خود را بر سر ما در پاسگاه ترابه فرو ریزند ما باز فریاد می‌زنیم که ما پیروزیم چون بر حق هستیم و حق شکست ناپذیر است و همه می‌دانیم نصرت و پیروزی از آن بندگان خداست و با چنین عقیده و ایمان رزمندگان مستقر در پاسگاه ترابه، شب را در دومین روز بهار 1364 به صبح رسانیده‌اند و خدایا از تو عاجزانه می‌خواهیم، تو را به مظلومیت امام حسین(ع) به قلب‌های ما اطمینان و آرامش عطا بفرما تا بتوانیم در این جهاد مقدس ثابت قدم و استوار و صابر باشیم و ما را بر دشمنان اسلام خصوصا دشمنان درونی پیروز بگردان. بارالها! در این لحظاتی که مرگ را جلوی چشم می‌بینم، در این پاسگاه ترابه، تو را به حق مظلومیت علی(ع) قسمت می‌دهم که تمامی گناهان مرا بیامرزد، خانواده‌ام و دوستان مرا هر کجا هستند از همه بلیات و لغزش‌ها حفظ بگردان و امام امت انقلاب اسلامی را به حق پهلوی شکسته زهرا(س) طول عمر عطا فرموده و او را پیش امام زمان رو سفید بگردان. خدایا! شهدای انقلاب و شهدای جنگ تحمیلی به ویژه شهدای مظلوم عملیات بدر و شهدایی که امشب در این پاسگاه ترابه به خون خود غلتیدند با شهدای کربلا محشور گردان. آمین یا رب العالمین.

مهدی خوش سیرت
2/1/1364
پاسگاه شهید اسودی